



استناد به این مقاله: داورپناه، محمدرضا، سالاری، محمود (1390). نظریه اجتماعی و محیط استفاده از اطلاعات: نقش ساختار و کنش در شکل گیری رفتار و الگوی اطلاع یابی. پژوهشنامه کتابداری و اطلاع رسانی، 1(1)، 7-22.

نظریه اجتماعی و محیط استفاده از اطلاعات: نقش ساختار و کنش در شکل گیری رفتار و الگوی اطلاع یابی

دکتر محمدرضا داورپناه¹، محمود سالاری²

دریافت: 1389/5/2، پذیرش: 1390/2/31

چکیده

هدف این مطالعه تحلیل تاثیر عاملیت و ساختار بر رفتار اطلاع یابی بر مبنای بررسی متون است. ابتدا نقش عاملیت و ساختار در پژوهش های علوم اجتماعی و شناخت جهان بر پایه نظریه های اجتماعی و به ویژه نظریه ساخت یابی گیدنز تبیین شد. سپس چگونگی پیوند میان ساختار و کنش در محیط استفاده از اطلاعات، به منزله بافت اجتماعی یا محیطی که درون آن افراد زندگی و کار می کنند، مورد تحلیل قرار گرفت. در ادامه با رهگیری چگونگی حضور بافت اجتماعی یا به عبارت دیگر منشاء اجتماعی رفتار در الگوهای مختلف رفتار اطلاع یابی بحث به سرانجام رسید. حاصل تحلیل ها نشان داد که همه فعالیت های اطلاعاتی درون بافت اجتماعی شکل می گیرد. استفاده از منابع اطلاعاتی بدون ملاحظه بافت اجتماعی و سازمانی آن نمی تواند به روشنی درک شود، زیرا بافت زمینه ظهور، طراحی، اجرا و استفاده از نظام اطلاعاتی است. این رویکرد امکان بررسی و تحلیل جامع و منطبق بر واقعیت های اجتماعی رفتار اطلاعاتی یک جامعه را فراهم خواهد کرد؛ و در نتیجه راهگشای بهبود و توسعه نظام اطلاعاتی خواهد شد.

کلیدواژه ها: نظریه اجتماعی، محیط استفاده از اطلاعات، نظریه ساخت یابی، رفتار اطلاع یابی

مقدمه: چیستی نظریه اجتماعی

زیربنای نظری محیط استفاده از اطلاعات³ ریشه در "نظریه اجتماعی"⁴ دارد. نظریه اجتماعی مفهومی است که در قلمرو علم جامعه شناسی قرار دارد. از نظریه اجتماعی برای مطالعه و تفسیر پدیده اجتماعی در درون مکتب ویژه فکری استفاده می شود و در واقع ابزار اساسی مورد استفاده اندیشمندان علوم اجتماعی و به ویژه جامعه شناسان در تحلیل های اجتماعی است.

¹ استاد گروه کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاه فردوسی مشهد، mrdavarpanah@yahoo.com

² دانشجوی دوره دکتری کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاه فردوسی مشهد، salari1000@gmail.com

³ Information use environment

⁴ Social Theory

ردیابی ریشه های تاریخی نظریه اجتماعی قدری دشوار است. اما از نظر برخی صاحب نظران بنیان های نظری آن به یونان باستان باز می گردد. برچ بربرو گلو (Social theory, 2011) از افلاطون، سقراط و ارسطو به عنوان چهره های تاثیرگذار بر نظریه اجتماعی شکل گرفته از سال های پایانی سده نوزدهم و آغاز سده بیستم، یاد کردند. اما به باور هارینگتون (Social theory, 2011) این مفهوم تا پیش از سده بیستم در هیچ زبانی وجود نداشته است و ریشه آن از دوواژه "social" از واژه لاتین "Socius" و "Theory" از واژه "theoria" یونان باستان گرفته شده است.

نظریه اجتماعی دارای ماهیتی دوسویه است و چهار جنبه مهم دارد. برای شناخت کافی و بررسی آن لازم است هر دو سویه آن مورد توجه قرار گیرد. انتخاب یکی از دو سویه در آغاز می تواند نظریه پرداز را به جهت های متفاوت سوق دهد؛ هر تلاشی برای حل یکی از آنها در مقابل دیگری به معنی نادیده گرفتن بسیاری از پدیده هاست.

چهار وجه دوگانه برای چارچوب نظریه اجتماعی عبارتند از:

1. فرد/ جامعه: هر نظریه اجتماعی باید چیزی درباره افراد و پیوند آنها با هر آنچه که جامعه می نامیم، بیان کند. پرسش پایه ای این است که کدام ارجح است، فرد یا جامعه؟
 2. کنش/ ساختار: هر نظریه اجتماعی باید چیزی درباره کنش انسانی، اعم از فردی یا جمعی، و ساختار اجتماعی یا سازمان اجتماع بگوید. پرسش اساسی این است که کدام یک تقدم دارد، کنش یا ساختار؟
 3. یکپارچگی اجتماعی/ یکپارچگی نظام: در واقع بسط دوگانگی کنش/ ساختار است. یکپارچگی اجتماعی اشاره به چیزی است که کنشگران یا افراد را درون جامعه پیوند می دهد؛ یکپارچگی نظام اشاره به آن چیزی است که بخش های گوناگون جامعه را به هم پیوند می دهد. یکپارچگی به معنای هماهنگی نیست - افراد و بخش های جامعه ممکن است از رهگذر تضاد یا هم پیوند یابند.
 4. مدرنیته/ سرمایه داری - سوسیالیسم: دوگانگی چهارم به نسبت متفاوت است به این ترتیب که سه مورد اول در هر جامعه ای مطرح است ولی این مورد فقط در جامعه مدرن پس از انقلاب صنعتی مطرح است. در واقع نوعی دوگانگی فرعی است (کرایب¹، 1382، ص. 36-37).
- نظریه ساخت یابی²

¹ Craib

² Structuration theory

نظریه های اجتماعی را از دیدگاه نقش کارگزار (عاملیت) و ساختار در تبیین پدیده های اجتماعی می توان به دسته های زیر تقسیم کرد:

1. نظریه های کارگزار محور (اراده گرایی)

2. نظریه های ساختار محور

3. نظریه های کارگزار درون ساختاری

در دیدگاه اراده گرایی تبیین پدیده های اجتماعی را باید از فرد شروع کرد و او عامل و علت اصلی پدیده ها و پیامد های آنها به شمار می رود. از این رو، بسیاری از پدیده های اجتماعی دستاورد عمل های هدفمند، نیت مند و ارادی عاملان است. ساختار گرایی نقش فرد را در وقوع رخداد های اجتماعی مهم نمی داند. ادعای ساختار گرایی این است که جامعه ها سیستم های در هم تنیده ای هستند که ساختار های اجتماعی بسیار گوناگونی را در دل فرد جای داده اند. این گروه بر این باورند که ساختارها تعیین کننده رفتار کارگزاران هستند. با مشخص شدن شالوده ساختارها می توان کنش های افراد و کارگزاران را پیش بینی کرد. چرا که افراد فراتر از چارچوب یا ساختارها نمی توانند عمل کنند و کنش فردی در داخل ساختار امکان پذیر است. بنابراین، فهم هر گونه پدیده ای در اجتماع مستلزم فهم ساختارهای آن جامعه است. اما گیدنز بر این باور است هر دو گروه به خطا رفته اند. چرا که پدیده های اجتماعی نه پیوند خطی با یکدیگر دارند و نه علت وقوع آنها یک پدیده است. بلکه بیشتر پدیده های اجتماعی علت های گوناگون دارند. از این رو، گیدنز ساختار و کارگزار را در تبیین پدیده های اجتماعی دخیل می داند، بدون این که یکی را تبیین کننده دیگری بداند. در دیدگاه گیدنز مفهوم ساخت یابی در بردارنده مفهوم دوسویگی ساخت و بیانگر وابستگی دوجانبه ساخت و عاملیت است. منظور از دو سویگی ساخت این است که ویژگی های ساختاری نظام های اجتماعی هم وسیله و هم نتیجه کارهایی است که نظام های پیش گفته را تشکیل می دهند (گیدنز، ۱۳۸۳). گیدنز اظهار می دارد که نظریه ساخت یابی، شناخت انتزاعی درباره ویژگی های کلی و عام جامعه در اختیار ما قرار می دهد، اما به روشنی به تشریح یا توصیف مسئله های پایه ای، یا رویدادهای ویژه تاریخی یا فرهنگی پیوندی نداشته و بدین کار نمی پردازد. این نظریه تصور و برداشتی از امکانات و استعداد های بنیادی موجود در زندگی اجتماعی را به دست می دهد. تحلیل ها و بررسی هایی که به وسیله نظریه ساخت یابی هدایت می شود همیشه به محیط ها و زمینه های تاریخی، محدود می شود. گیدنز نظریه ساخت یابی خود را میان دو موضع نظریه های در پیوند با جمع از یک سو و نظریه های در پیوند با فرد از سوی دیگر به وجود آورد. او در میان این دو، نظریه مشترکی را می یابد تا بر

پایه آن تصور، نظریه ساخت یابی خود را تدوین کند. بر این مبنا، گیدنز بر این باور است که هر چیزی در زندگی اجتماعی در برگیرنده نظام جهانی است که وضعیت فکری یک فرد در نتیجه تعامل با آن بوجود می‌آید. به سخنی دیگر، گیدنز بر این باور است که ساختار به عنوان یک نظم جهانی بر رفتار افراد جامعه به واسطه تعاملی که در محیط اجتماعی برقرار می‌کند، تاثیر می‌گذارد و یک کردار (راه و رسم) اجتماعی به وجود می‌آید (کوهن¹، 1379، نقل در استونز²، 1379، ص. 423).

به باور گیدنز ساختارها به طور مستقل وجود ندارند، بلکه در لفاف کنش‌ها پوشیده‌اند. آنها فقط در کنش و به واسطه کنش وجود دارند که آنها را تولید و بازتولید می‌کند. وی کنشی را که در داخل ساختارها (قواعد) انجام می‌گیرد، کردار اجتماعی می‌نامد. هر فرایندی از کنش دستاورد چیز تازه‌ای است، دستاورد عمل تازه‌ای؛ اما در همین حال همه کنش‌ها استمرار گذشته‌اند، گذشته‌ای که فراهم آورنده ابزارهای آغاز کنش است. بنابراین، ساختار را نه به عنوان مانع کنش، بلکه باید به عنوان چیزی که در ایجاد کنش نقش پایه‌ای دارد در نظر گرفت. با این نگرش، برخی از مفروضه‌های پایه‌ای ساختار یابی عبارتند از:

- انسان کارگزار (عامل) فهمی است که همیشه می‌تواند به شیوه متفاوتی عمل کند،
- قدرت، عنصر اساسی زندگی اجتماعی است،
- زندگی اجتماعی قابل پیش‌بینی است؛ زیرا کار افراد فرایندی پیش‌رونده است،
- هر کنش پیوسته‌ای بناگریز از تاریخ و سرگذشتی برخوردار است،
- تاریخ و سرگذشت هر کنش پیوسته‌ای بناگریز از پیش‌منظم، ثابت و تکرار شونده است،
- کارهای نهادینه شده در زندگی روزمره بازتولید می‌شود،
- کنش‌های آدمی دارای پیامدهای ناخواسته است.

پیوند میان ساختار و کنش در قلمرو محیط استفاده اطلاعات

تعیین پیوند میان ساختار و کنش امری پایه‌ای در هر رشته‌ای است که در پی درک چیزی درباره جهان اجتماعی است (Giddens, 1984, p. 219) و علم کتابداری و اطلاع‌رسانی نیز از این امر مستثنی نیست (Rosenbaum, 1996). پژوهشگران علم کتابداری و اطلاع‌رسانی با رویکردهای متفاوتی مفهوم ساختار و کنش را در قلمرو اطلاع‌یابی و استفاده اطلاعات مورد مطالعه قرار داده‌اند. از نظر برخی، کلید فهم اطلاع‌یابی و استفاده اطلاعات ریشه در رویکرد نظام مدار³ یا ساختاری¹ دارد. به طوری که عمل

¹ kuhn

² Stones

³ Systems-Oriented approach

کاربران تاحد زیادی براساس ویژگی های نظام های اطلاعاتی که با آنها در تعامل هستند، تعیین شده و می تواند به منزله پاسخ های پیش بینی پذیر به برون دادهای نظام مفهوم سازی شود (Taylor, 1986; Dervin & Nilan, 1986; Cole, 1994; Savolainen, 1993 in Rosenbaum, 1996). دیگران برای تبیین چگونگی فعالیت های اطلاع یابی و استفاده عینیت یافته افرادی که با نیازها و مشکل های اطلاعاتی به نظام مراجعه می کنند، از رویکرد کاربر مدار^۲ یا عمل مدار^۳ استفاده کرده اند (Dervin & Nilan, 1986; Hewins, 1990 in Rosenbaum, 1996). این موضوع در دیگر رشته ها نیز پیشینه دارد. یافته ها نشان می دهد که در جنبه های نظری و عملی پدیده های مورد مطالعه، توافق اندکی میان طرفداران هر دو رویکرد وجود دارد. در بازتاب این وضعیت تیلور (Taylor, 1986, p. ix-x) اظهار می کند که مشاهده هزاران مطالعه درباره استفاده اطلاعات که تاثیر کمی بر طراحی و عملیات نظام های فراهم آوری اطلاعات^۴ داشته اند، دلسرد کننده است. دلسرد کننده تر این که به واقع چیز زیادی درباره استفاده عملی از اطلاعات به ما عرضه نمی کنند.

یکی از دلیل های این وضعیت، بکارگیری رویکردهای کاربرمدار یا نظام-مدار بدون برتری نسبت به یکدیگر است. هر کدام از این رویکردها، نسبت به دیگری دارای نقطه های ضعفی هستند. رویکردهای ساختاری یا نظام-مدار نمی تواند برای "کنش" و رویکردهای کاربر-مدار نمی تواند برای "ساختار" مناسب باشد. رویکرد نظام-مدار به پیوند میان ساختار و کنش با استراتژی از "بالا به پایین"^۵ می پردازد و سازمان بنیادی جهان اجتماعی را تشریح می کند. در اصل، ساختار دارای برتری هستی شناسانه ای است و عمل تابع آن است. ساختار ماهیتی وجودی دارد و دارای نظم قابل قیاس مشخصی نسبت به جهان طبیعی است (Morris, 1994 in Rosenbaum, 1996). این امر به روشنی توسط والاس (Wallace, 1993 in Rosenbaum, 1996) بیان شده است: اختریف یکدندان مفروض دارند که همان فرایندهایی (اعم از فرایندهای شناخته شده و نشده) که اینک در روی زمین و در سراسر گیتی گسترده اند، در طول همه دوره ها جاری بوده و در آینده نیز فراگیر خواهند بود. همین طور دانشمندان علوم اجتماعی مفروض دارند که فرایندهای یکسانی (چه شناخته شده و چه نشده) در گذشته، حال و آینده همه جامعه ها متداول هستند. با این وجود، مفهوم ساختار امری تصویری است و به همین خاطر نمی توان آن را به سطح تعامل های

¹ Structural

² User- oriented

³ Action - oriented

⁴ Information-Providing Systems

⁵ Top down

اجتماعی و عمل‌های فردی تنزل داد (Sewell, 1992 in Rosenbaum, 1996). درون این جهان، نیازهای اطلاعاتی کاربران، در آغاز در قالب "تعریف نظام" از این که نیاز چیست، توصیف می‌شود. در این صورت نیازهای عرضه شده، نیازهای نظام هستند نه نیازهای کاربران (Dervin & Nilan, 1986, p. 11 in Rosenbaum, 1996). اطلاعات مورد جستجو، پایدار، پردازش شده از نظر محتوای معنایی ذاتی، و متبلور شده در واقعیت مورد توصیف است (Dervin & Nilan, 1986 in Rosenbaum, 1996).

در رویکرد عمل-مدار یا کاربر-مدار، از استراتژی "پایین به بالا"¹ برای تبیین پیوند میان ساختار و عمل استفاده می‌شود. تعامل اجتماعی مبنایی است که از آن همه عنصرهای دیگر اجتماعی پدیدار می‌شود. نهادها، ساختارهای اجتماعی و نظام‌های کلان اجتماعی تنها به واسطه تعامل‌های اجتماعی افراد شکل می‌گیرد. با تغییر تمرکز نظری و پژوهشی از نظام‌ها به کاربران (Katzer, 1978)، اطلاعات دیگر به عنوان موجودیتی عینی تلقی نمی‌شود؛ بلکه چیزی است که با جوهره انسانی ساختار یافته است (Dervin & Nilan, 1986, p. 16 in Rosenbaum, 1996). در این صورت، جهان اطلاعات جستجو شده، ساختاریافته و استفاده شده، دیگر دارای عینیت، پایداری، تداوم و نظم نیست. نیازهای اطلاعاتی از ناهمخوانی، ناپیوستگی، وضعیت‌های ناهمگون در دانش یا مشکل‌های ادارک شده کاربران از موقعیت‌های ویژه، واقعی و پویا ریشه می‌گیرد. استفاده‌های اطلاعاتی، کارها و تعامل‌هایی هستند که به واسطه آن افراد در گذر موقعیت به حل مشکل‌ها و معنابخشی می‌پردازند.

روشن است که این رویکردها در تقابل و تضاد با یکدیگر هستند. تفکر نظام‌مدار به خاطر ناتوانی اش در لحاظ نکردن پویایی کاربران مورد انتقاد است (Dervin & Nilan, 1986, p. 16 in Rosenbaum, 1996). رویکرد کاربر-مدار به خاطر افتادن در دامن فردگرایی روش‌شناسانه مورد انتقاد قرار گرفته است؛ چرا که پدیده‌های اجتماعی باید در قالب اقدام‌های ویژه فردی توضیح پذیر باشند (Knorr, 1988 in Rosenbaum, 1996). این وضعیت منجر به ناتوانایی در توجه مناسب به پدیده ساختاری به منزله نهاد می‌شود. زیرا ایجاد یک پدیده ساختاری مبتنی بر عمل‌های فردی مشکل است، به ویژه زمانی که تمرکز بر رویکرد کاربرمدار بر پایه الگوهای شناختی رفتار است. اهمیت این امر و دشواری‌های ذاتی در این موقعیت‌ها به روشنی توسط تامپسون (Thompson, 1989, p. 6) جمع‌بندی شده است: مسئله پیوند میان کنش و ساختار اجتماعی در بطن نظریه اجتماعی جای دارد. در نوشته‌های بیشتر نظریه پردازان بزرگ این مسئله بروز کرده و به نظر می‌رسد به نوعی حل شده است. ولی چنین راه‌حلی در بیشتر موارد به

¹ Bottom-Up

تاکید بر یک مفهوم و نادیده گرفتن مفهوم دیگر منتهی شده است. به گونه ای که یا ساختار اجتماعی به عنوان موضوع اصلی مورد تحلیل قرار گرفته و عامل (عاملیت) نادیده گرفته شده و یا این که افراد به عنوان تنها عنصرهای تشکیل دهنده جهان اجتماعی مورد توجه قرار گرفته اند. در هر صورت، این مسئله حل نشده باقی مانده است. بنابراین در نظریه اجتماعی پرسش هایی مانند این که چگونه و به چه شیوه ای کنش عاملان فردی به ویژگی های ساختاری جامعه ها متعلق بدان پیوند خورده، بی پاسخ می ماند که مانع تحلیل های قاطع می شود.

اثر تیلور (Taylor, 1986; 1991) درباره محیط استفاده اطلاعات تلاش چشمگیری برای انتقال بحث پیوند میان کنش و ساختار در زمینه های متفاوت فراهم کرد. این پیش فرض ها، به پژوهشگران رشته کتابداری و اطلاع رسانی اجازه داد با احتیاط بر مشکل هایی چیره شوند که دیگر رشته های درگیر این مسئله را مسحور خود ساخته بود (Rosenbaum, 1996).

محیط استفاده اطلاعات و عنصرهای آن

برای اولین بار تیلور (Teylor, 1991) مفهوم "محیط استفاده اطلاعات" را ارائه کرد. وی با طرح مفهوم محیط استفاده اطلاعات (IUE) در جستجوی پلی برای پر کردن شکاف میان فاصله رویکردهای ساختاری و عمل - مدار درون یک چارچوب مفهومی است. او این عبارت را برای توصیف عامل های بافتی اثرگذار بر وجود و استفاده از منابع اطلاعاتی در درون یک نهاد یا سازمان و میزان ارزشمندی این منابع اطلاعاتی از سوی عضوهای جامعه مخاطب آنها، به کار گرفت. محیط استفاده از اطلاعات بر مطالعه اطلاعات در بافت اجتماعی تاکید دارد و کاربر هسته این چارچوب مفهومی است (Kuhlthau, 1993; Derwin & Nilan, 1986; Hewins, 1990; Wersig & Windel, 1985; Mick, Lindsey & Callahan, 1980 in Rosenbaum, 1996). طبق تعریف تیلور (Teylor, 1991, p. 281) محیط استفاده اطلاعات عبارت است از "مجموعه عنصرهایی که الف) بر جریان و استفاده از پیام های اطلاعاتی درون و برون از هر موجودیت تعریف شده ای، تاثیر می گذارد و ب) تعیین کننده معیاری است که به واسطه آن پیام های اطلاعاتی مورد داوری قرار می گیرد.

این عنصرهای عمومی در چهار مقوله قرار می گیرند: (1) مجموعه ای از افراد، (2) ساختار و فشار مسئله های تجربه شده توسط افراد (3) پیش فرض هایی درباره ماهیت راه حل های مسئله ها و (4) ویژگی های محیط (Teylor, 1991, p. 221).

مجموعه افراد در قالب های جمعیت شناختی تعریف می شوند و برپایه موقعیت های اجتماعی از پیش تعیین شده در ساختارهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جامعه صنعتی دارای ویژگی های اجتماعی مشترک

هستند.

مسئله‌ها¹ یا مشکل‌های درون محیط‌های استفاده از اطلاعات پدید می‌آید و باید توسط کاربران شناسایی و تعریف شوند. کاربران پس از تعریف مشکل‌ها، نیازهای اطلاعاتی را تعیین می‌کنند و بر این اساس، رفتارهای اطلاعاتی پدیدار می‌شود. مشکل‌ها پویا هستند و درک کاربران از آن نیز در پیوند با اطلاعات جدید و در پیوند با دریافت‌ها و موقعیت‌عامل آن، در طول زمان تغییر می‌کند.

سومین مقوله شامل مجموعه‌ای از پیش‌فرض‌هاست که راه‌حل‌های پذیرفتنی برای مسئله‌ها ارائه می‌کند. اهمیت این راه‌حل‌ها در آن است که به تعریف مجموعه پذیرفتنی از استفاده‌های اطلاعاتی کمک می‌کند. استفاده‌های اطلاعاتی هم پویا هستند؛ انواع اطلاعات دریافت شده در زمان‌های مختلف سودمندی متفاوتی دارد و همان اطلاعات ممکن است در مرحله‌های گوناگون حل مسئله به صورت متفاوتی به کار گرفته شود.

چهارمین مقوله شامل بافت‌های اجتماعی جایگاه یا محیطی است که افراد در آن زندگی و کار می‌کنند و بر رفتار اطلاعاتی اثر می‌گذارند. در سازمان، این بافت‌ها ممکن است در قالب هدف‌ها، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، مشتریان، سبک‌ها، جریان‌های رسمی و غیر رسمی اطلاعات و ساختار اجتماعی توصیف شود. همه این‌موردها در برقراری رفتارهای اطلاعاتی کاربران، مانع‌هایی را تحمیل و درعین حال فرصت‌هایی را نیز فراهم می‌آورند. زیرا سازمان برای استفاده از اطلاعات بافت یا زمینه‌ای را فراهم می‌آورد (Taylor, 1986, p. 36). برای نمونه فعالیت‌های مدیریتی، آشکارا یا به طور ضمنی، نگرشی یکسان به اطلاعات پخش شده در سازمان را نمایان می‌سازد.

محیط استفاده اطلاعات پویاست و در پاسخ به پیدایش اطلاعات جدید و همگام با تعامل افراد تغییر می‌کند. درون این جایگاه اطلاعاتی وظیفه‌ها و مشکل‌ها وجود می‌آیند. ساختار محیط به شیوه‌های پیچیده، تعیین می‌کند چه اطلاعاتی برای شفاف‌سازی، حل، یا اصلاح یک مشکل، یا برای تکمیل یک وظیفه قابل پذیرش است. سپس میزان ارزشمندی بالقوه پیام از سوی کاربر تعیین می‌شود. زیرا او در محیط ویژه‌ای است و می‌تواند پیام را به مشکل‌ها و وظیفه‌های محیط پیوند دهد. این فضا، محیط استفاده از اطلاعات نامیده می‌شود. مطالعه‌های محیط‌های استفاده از اطلاعات باید بتوانند محیط‌های مرئی و پویا را با تمرکز اطلاعاتی بر روی سازمان‌ها، افراد و مشکل‌ها به گونه‌ای که برای طراحی نظام‌های اطلاعاتی

¹ مسئله (مشکل) به هم فشردگی موقعیت کاربر با همه عنصرهای مهم و همچنین جانشینی برای موقعیت کاربر در محیط استفاده اطلاعات است.

و درک پیوند میان نظام و کاربر انسانی مفید هستند، توصیف کنند (ibid, 220-224). محیط‌های استفاده از اطلاعات باید مجموعه‌ها یا گروه‌های متفاوت، را در قالبی نزدیک به واقعیت بافت توصیف کند و نه توصیف دیکته شده از سوی سیستم خدمات اطلاعاتی باشد.

البته بر نظریه محیط استفاده اطلاعات تیلور انتقادهایی نیز وارد شده است. از این جمله، پیشی داشتن ویژگی‌های جمعیت شناختی به عنوان ویژگی مهم شکل دهی رفتار اطلاعاتی مورد نقد قرار گرفته است. برخی پژوهشگران (Lievrouw, 2001; Rosenbaum, 1996a in Berryman, 2008) استدلال نقش ویژگی‌های جمعیتی در شکل دهی رفتار اطلاعاتی انسان را رد کردند. البته خود تیلور نیز (Taylor, 1986, p. 223) درباره نقش ویژگی‌های جمعیتی در شکل دهی استفاده و جستجوی اطلاعات تردید داشت. با این وجود عامل‌های غیر جمعیتی به ویژه کار و شبکه حرفه‌ای در جهت دهی استفاده و جستجوی اطلاعات مورد تایید قرار گرفت. پژوهشگران به مرور، ماهیت پویای اثر متقابل میان فرد و بافت را شناسایی کردند. تفکر اولیه تیلور بعدها توسط روزنباوم (Rosenbaum, 1993; 1996) بر پایه نظریه ساخت یابی گیدنز توسعه یافت تا پویایی میان محیط استفاده اطلاعات و رفتار اطلاع‌یابی شکل گرفته در آن محیط و چگونگی بازتاب فعالیت‌های اجتماعی عضوهای جامعه کاری و در عین حال مانع‌های هنجاری درون سازمان (محیط) اثرگذار بر استفاده از اطلاعات را ترسیم کند. با پیشگامی روزنباوم (Rosenbaum, 1996b) محیط استفاده اطلاعات مدیریتی شامل مقوله‌های قاعده‌ها، رفتار سازمانی مسئولان و منابع و استفاده اطلاعات، اقتدار و کنترل بر شیء‌ها و مردم مطرح گردید. افزون بر آن، در شکل دهی رفتار اطلاعاتی به عنوان یک دستاورد (Lievrouw, 2001; p. 17 in Berryman, 2008) عامل‌های غیر محسوس فردی مانند ارزش‌ها و باورهای افراد نیز اثرگذار هستند (Byström, 1999, p. 4 in Berryman, 2008) با این وجود، به نظر می‌رسد اطلاعات به باور تیلور (Taylor, 1991, p.220-228) ماهیتی فرامادی داشته و بر همین اساس پیشنهاد کرده که دستیابی به اطلاعات باید با "دریافت منفعت و درستی" همراه باشد که بیشتر از طریق "گفتگوی شخصی" روشن می‌شود.

عنصر محیط اطلاعاتی در الگوهای رفتار اطلاع‌یابی

محیط استفاده از اطلاعات، بافت اجتماعی یا محیطی است که درون آن افراد زندگی و کار می‌کنند. در واقع محیطی است که افراد در آن تصمیم می‌گیرند چه اطلاعاتی در زمان مشخص برای آنها سودمند است. همه فعالیت‌های اطلاعاتی درون بافت اجتماعی شکل می‌گیرد. در بیشتر موردها درون همین بافت کاربران درباره ارزشمندی و سودمندی اطلاعات تصمیم می‌گیرند. رفتارهای اطلاعاتی مجموعه فعالیت‌هایی هستند که بدان واسطه، اطلاعات سودمند می‌شود. رفتارهای اطلاعاتی ریشه در نیازهای اطلاعاتی

کاربران دارد. میان محیط، وظیفه و ویژگی‌های روانی و اجتماعی کاربران تعاطی وجود دارد. رفتار اطلاعاتی به ما امکان می‌دهد برای حل مسئله به وجود آمده در محیط از اطلاعات استفاده کنیم. پس ریشه اجتماعی رفتار اطلاعاتی موقعیت یا وضعیت مسئله ای است. وضعیت مسئله ای باعث رخداد رفتار اطلاعاتی می‌شود.

ویلسون¹ در الگوی رفتار اطلاع‌یابی خود از مولفه‌های زمینه‌نیاز اطلاعاتی، متغیرهای مداخله‌گر، رفتار اطلاع‌یابی (فعال یا غیرفعال) و پردازش و استفاده اطلاعات به عنوان عنصرهای اصلی رفتار اطلاعاتی یاد می‌کند. این الگو در دو مولفه زمینه‌نیاز اطلاعاتی به طور ضمنی و در متغیرهای مداخله‌گر به طور آشکار به عامل محیط اشاره دارد. ویلسون بر این باور است که پیدایش نیازی ویژه اثر گرفته از زمینه‌ای² است که ممکن است این زمینه خود شخص، یا نقشی که در کار یا زندگی ایفا می‌کند یا محیط (اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فناورانه و...) باشد. همچنین بر این باور است که ویژگی‌های شخصی بر انتخاب، و سلسله مراتب نیازهای اطلاعاتی بر قدرت آنها تاثیر می‌گذارد. اما علت بسیاری از نیازهای شناختی در بیرون از فرد است و به واسطه نقش‌های یک فرد در جامعه یا شرایط محیطی است. ویژگی نقش افراد حرفه‌ای، اثر گرفته از الگوهای رفتاری جامعه برای شغل ویژه ای است. در پیوند با هر شغل، نیازهای اطلاعاتی ویژه ای وجود دارد و سرانجام محیط کار و زندگی و محیط اجتماعی و ساختار سازمانی آن بر شکل‌گیری نیاز اطلاعاتی اثر می‌گذارد. حتی دوره‌های تحول سیاسی و اقتصادی نسبت به دوره‌های با پایداری اجتماعی متفاوت است (Niedzwiedzka, 2003, p. 5-7 در داورپناه، 1386، ص. 175-176). نقشی که فرد ایفا می‌کند او را در نظام اجتماعی و سازمان در موقعیت ویژه ای قرار می‌دهد. این موقعیت فرصت‌ها و مانع‌هایی در دسترسی به اطلاعات ایجاد می‌کند (داورپناه، 1386، ص. 176).

الگوی اطلاع‌یابی ویلسون که بر پایه پژوهش‌های تجربی بنا شده و در پژوهش‌های زیادی مورد آزمون قرار گرفته است بر عنصر ویژگی تاکید دارد. از نظر ویلسون رابطه‌های گسترده و تعامل این ویژگی‌ها در هر الگوی اطلاع‌یابی تابع شرایط ویژه حاکم بر فعالیت‌های اطلاع‌یابی فرد در آن مقطع زمانی ویژه است. الگوی کولثا و عنصرهای عاطفی، شناختی و کنش‌ها را در فرایند جستجو مورد توجه قرار داده است. در فرایند جستجو، کاربر در هر مرحله احساس‌ها، تفکر و کنش‌های ویژه ای دارد. کنش‌ها در واقع همگامی با تغییرهای فرایند جستجو، و افکار نیز استدلال موقعیت جستجو است. احساس‌ها و افکار و کنش‌های کاربر در محیط اطلاعاتی شکل می‌گیرند و زیر تاثیر استفاده از اطلاعات دگرگون می‌شوند.

¹ Wilson

² Context

در الگوی معنابخشی، دروین^۱ کاربرد در امتداد یک محور فضا-زمان که پیاپی در حال تغییر است، قرار دارد (موریس^۲، ۱۳۷۵ در داورپناه، ۱۳۸۶). چنین جهانی ایجاب می‌کند تا از طریق تطبیق‌ها و اصلاح‌های مستمر، خود و محیط پیرامون خود را قابل فهم سازیم. از محیط پیرامون خود نقشه شناختی تهیه می‌کنیم، اما این نقشه‌ها زیر تاثیر اطلاعات جدیدی که به دست می‌آوریم (استفاده اطلاعات) پیوسته اصلاح می‌شوند. در الگوی دروین ما با جهانی ساکن هماهنگ نمی‌شویم، بلکه واقعیتی را می‌آفرینیم که همراه با خود ما در حال تغییر است. بنابر نظریه ساخت‌یابی، ساخت‌یابی همه نظام‌های اجتماعی، چه کوچک و چه بزرگ، در زمان و مکان رخ می‌دهد، با این حال رابطه‌های زمانی-مکانی طی این ساخت‌یابی به حال تعلیق نیز در می‌آید. هر جامعه‌ای به شکلی دست‌اندرکار از میان برداشتن محدودیت زمان و مکان است. در نظریه ساخت‌یابی، حیطه اصلی مطالعه علوم اجتماعی نه تجربه فرد کنشگر و نه وجود هیچ شکلی از کلیت اجتماعی است، بلکه عمل‌های اجتماعی است که در طول زمان و مکان نظم یافته اند (گیدنز، ۱۳۸۳).

بلکین^۳ در الگوی اطلاع‌یابی، نیاز اطلاعاتی فرد را نتیجه "ناهمگونی در وضعیت دانشی" فرد می‌داند. وی در الگوی خود به دو جهان درونی فرد و جهان برونی فرد اشاره دارد که دانش ذهنی و عالم درونی فرد را اثر گرفته از عالم واقع یا بیرون می‌داند. بلکین نیز به زمینه و عنصرهای موقعیتی نیاز اطلاعاتی توجه داشته و در این نکته، با دروین هم عقیده است که پی‌بردن به موقعیت کاربر کلید حل معماست و پی‌بردن به فاصله -آنچه که بلکین ناهمگونی می‌نامد- دارای اهمیت است (موریس، ۱۳۷۵ در داورپناه، ۱۳۸۶).

اینورسن^۴ الگوی رفتار اطلاع‌یابی را از اساس بر پایه "فضای شناختی کاربر" و "محیط سازمانی/اجتماعی" می‌داند (Wilson, 1999 در داورپناه، ۱۳۸۶). در الگوی اینورسن کاربران الگوهایی از وظیفه‌های کاری، نیازهای اطلاعاتی، مشکل‌ها و هدف‌های خود دارند که بیشتر ضمنی ولی قابل بیان هستند.

ساراسویک^۵ نیز با ارائه الگوی تعاملی طبقه‌ای خود در یک ساختار سه سطحی و اختصاص یک سطح به موقعیت کاربر، نشان داده که به عنصر محیط اطلاعاتی توجه کافی داشته است. وی در روشن ساختن سطح موقعیت کاربر، نیاز اطلاعاتی کاربر را علت تعامل با نظام اطلاعاتی ذکر کرده است (Wilson, 1999 در داورپناه، ۱۳۸۶). ساراسویک عنصر محیط را پیش از موقعیت کاربر در الگوی خود آورده است که

¹ Dervin

² Morris

³ Belkin

⁴ Inverson

⁵ Saracevic

بیانگر تاکید او بر اثرگذاری محیط اطلاعاتی بر دیگر عنصرها است. در جمع، او بازیابی اطلاعات توسط کاربر را وابسته به توجه به تمامی سطح‌ها (روساخت، شناخت و موقعیت) می‌داند.

رویکردهای بررسی محیط استفاده از اطلاعات

مطالعه‌های مختلف در بررسی محیط کاری و سازمانی استفاده از اطلاعات نشان داده است که رویکردهای متفاوتی در این زمینه وجود دارد. برای فهم رفتارهای اطلاعاتی در سازمان‌ها، لازم است پژوهشگران بافت اجتماعی محیط استفاده از اطلاعات شامل انواع هویت‌ها، نقش‌های کاری، وظیفه‌ها و هدف‌ها، دسترس پذیری اطلاعات و کانال‌های ارتباطی و نیز ادراک افراد درباره کاربردپذیری و مفید بودن این منابع را بررسی کنند. در چنین محیطی، به پژوهش‌هایی برای یافتن راهی برای طراحی بهتر نظام‌های اطلاعاتی و ارتباطی به منظور پشتیبانی افراد در رفتارهای اطلاعاتی مورد علاقه آنها نیاز است.

مطالعه پیوند میان رفتار استفاده از اطلاعات و محیط کار شخصی یکی از رویکردهای پژوهشی است. برای نمونه آلگون (Algon, 1991 in Colleen & Hong, 2000) پیوند میان وظیفه‌های کاری و رفتارهای اطلاعاتی عضوهای گروه کاری درون یک سازمان داروسازی را با مطالعه طولی مورد بررسی قرار داد. از نظر آلن (Allen, 1996 in Colleen & Hong, 2000, p.19) تحلیل‌های کاری باید به منزله نقطه ثقل طراحی اطلاعاتی برای مدل کاربر مدار مورد توجه قرار گیرد. اگر چه او، مدلی منطقی برای رفتار اطلاعاتی در سازمان‌ها ارائه نداده است، ولی به عنوان یک اصل کلی طراحی اظهار می‌دارد که "مردم می‌توانند از جذب این اطلاعات طفره برونند و این کار را بارها تکرار کنند". افزون بر آن سازمان‌ها نیز در مجموعه سازی، پردازش و استفاده از اطلاعات گاهی غیر منطقی عمل می‌کنند. تی جی آلن¹ (Allen, 1997 in Colleen & Hong, 2000) درباره رفتارهای اطلاعاتی مهندسان دریافت که مهندسان ترجیح می‌دهند با همکارانشان و دیگر افرادی که دارای زمینه مشترک دانشی هستند، گفتگو کنند و پیوند‌های آنها در بیشتر موردها به همکاران درون سازمان محدود می‌شود. ماهیت وابسته به پروژه‌های مهندسی یکی از دلیل‌های این رفتار است.

رویکرد پژوهشی دیگر به تاثیر داوری بر پایه کفایت اطلاعات در محیط استفاده از اطلاعات به عنوان یک چارچوب توجه دارد. در این زمینه بریمن² (Berryman, 2008) با بررسی تاثیر اطلاعات کافی در زمینه کاری کارگران یک بخش عمومی، دریافت که عامل‌های محیطی و بافتی به عنوان چارچوب تحلیلی در شبکه اجتماعی و بعدهای مسائلی که افراد با آن سروکار دارند و همچنین سبک‌ها و ساختار

¹ T. J. Allen

² Berryman

سازمان‌های آنها در کفایت اطلاعات تاثیر دارد.

رویکرد دیگر در قلمرو محیط استفاده از اطلاعات به نقش ساختار سازمانی، قاعده‌ها و منابع بر جریان اطلاعات در سازمان توجه دارد. بر پایه این رویکرد، روزنباوم (Rosenbaum, 1996) روشن ساخت که بافت اجتماعی سازمان در کارکردهای اطلاعاتی مدیران آن تاثیر گذار است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

فعالیت اجتماعی بشر، مانند برخی از چیزهای خود بازتولیدکننده در طبیعت، ویژگی بازگشتی دارند. بدین معنی که آنها به دست کنشگران اجتماعی ایجاد نمی‌شوند، بلکه به دست این کنشگران و از طریق همان ابزارهایی که با آنها خود را به عنوان کنشگر جلوه می‌دهند بازآفریده می‌شوند. عاملان در فعالیت هایشان و از طریق آنها شرایطی را بازتولید می‌کنند که این فعالیت‌ها را ممکن می‌سازد. کنش آمیزه‌ای از عمل‌ها نیست. عمل‌ها تنها از توجه به نسبت کوتاهی به استمرار تجربه زیسته به دست می‌آیند. چیزی که گیدنز (1983) آن را مدل قشربندی ضمیر کنشگر می‌نامد، شامل نظارت تاملی، عقلانی‌سازی و برانگیختن کنش به مثابه مجموعه فرایندهایی است که در متن و زمینه‌های ویژه نشانده شده‌اند. در هر کنش متقابل، که متشکل از بازیگران و صحنه‌هایی است، نظارت تاملی بر کنش به صورت روالمند، با نظارت بر محیط کنش متقابل همراه است. این پدیده برای حدس زدن مسیر آتی کنش در محدوده رابطه‌های زمانی-مکانی که گیدنز آن را "هم‌حضور" می‌نامد بسیار اساسی است. عقلانی‌سازی کنش، در اوضاع و شرایط گوناگون کنش متقابل، شالوده اصلی داوری دیگران درباره شایستگی عمومی کنشگران است.

نظریه اجتماعی به عنوان ریشه بحث محیط اطلاعاتی می‌تواند درک اطلاع‌رسانان را در تحلیل محیط استفاده از اطلاعات ارتقاء دهد. به واسطه آن اطلاع‌رسانان در خواهند یافت که همواره به دو وجه یک محیط اطلاعاتی یعنی ساختار و کنش یا نظام و کاربر توجه کافی داشته باشند و هر دو وجه را در رفتار اطلاعاتی افراد دخیل بدانند.

استفاده از منابع اطلاعاتی بدون در نظر گرفتن بافت اجتماعی و سازمانی آن، نمی‌تواند به روشنی درک شود. زیرا بافت زمینه‌پیدایش، طراحی، اجرا و استفاده از نظام اطلاعاتی است. به طور اساسی، رفتار زمینه-وابسته است و هر رفتاری در زمینه‌ای نمود پیدا می‌کند. نیاز اطلاعاتی و استفاده از اطلاعات در یک ساختار و بافت اجتماعی تعریف می‌شود. به عبارت دیگر نیاز اطلاعاتی و استفاده از اطلاعات اثر گرفته از قاعده‌ها، مسئله‌ها، مشکل‌ها، پیش‌فرض‌های اجتماعی، باورها و ارزش‌هایی است که در محیط اجتماعی وجود دارد. بنابراین، محیط استفاده از اطلاعات به عنوان یک ساختار پویا بر جریان اطلاعات در

دورن و بیرون از هر پدیده ای اثرگذار خواهد بود. این محیط است که معیاری برای داوری افراد از کفایت اطلاعات فراهم می کند. بر این اساس، درک محیط استفاده اطلاعات سهم زیادی در شناخت رفتار اطلاعاتی افراد در یک جامعه خواهد داشت. در واقع، لازمه چنین شناختی توجه به عنصرهای محیط اطلاعاتی در استفاده اطلاعات است. این رویکرد امکان بررسی و تحلیل جامع و منطبق بر واقعیت های اجتماعی رفتار اطلاعاتی یک جامعه را فراهم خواهد کرد. یافته های این تحلیل واقع بینانه می تواند در توسعه و بهبود نظام اطلاعاتی راهگشا و اثربخش باشد.

منابع

- داورپناه، محمدرضا (1386). *ارتباط علمی: نیاز اطلاعاتی و رفتار اطلاع‌یابی*. تهران: دبیرش.
- کرایب، یان (1382). *نظریه اجتماعی کلاسیک*. (ترجمه شهناز مسمی پرست). تهران: آگه.
- کوهن، ایراجی (1379). آنتونی گیدنز. در استونز، راب (ویراستار)، *متفکران بزرگ جامعه شناسی (ص 422 - 440)*. (ترجمه مهرداد میردامادی). تهران: نشر مرکز.
- گیدنز، آنتونی (1383). *چکیده آثار آنتونی گیدنز*. (ویراستار فیلیپ کسل، ترجمه حسن چاوشیان). تهران: ققنوس.
- موریس، ر. ت. (1375). *به سوی خدمات اطلاعاتی کاربر مدار*. (ترجمه عبدالحسین فرج پهلوی). فصلنامه کتاب، 27(2)، 71-99.

- Berryman, J. M. (2008). Influences on the judgment of enough information: an analysis using the information use environment as a framework. *Information Research*, 13(4), Retrieved April 25, 2011 from <http://InformationR.net/ir/13-4/paper356.html>.
- Colleen & Hong(2000). Patterns of Information Use, Avoidance and Evaluation in a Corporate Engineering Environment. Retrieved from <http://www.sois.uwm.edu/xie/IrisArticles/Articles/2000patternofinformationuse.pdf>
- Giddens, A. (1984). The Constitution of Society. In A. Giddens (ed.), *Proceedings of the 47th Annual Meeting of the American Society for Information Science* (pp.235-245). October 21-25, 1984, Philadelphia, USA. Berkeley, CA: University of California Press.
- Katzer, J. (1987). User studies, information science, and communication. *The Canadian Journal of Information Science*, 12(3/4), 17.
- Kuhlthau, C. C. (1993). A principle of uncertainty for information seeking. *Journal of Documentation*, 49(4), 339-355.
- 7-28.
- Rosenbaum, H. (1993). Information use environments and structuration: Towards an integration of Taylor and Giddens. In S. Bonzi, (ed.), *Proceedings of the American Society for Information Science (ASIS) 56th Annual Meeting* (vol. 30, pp. 235-245). October 24-28, 1993, Columbus, Ohio, USA. Medford, NJ: Learned Information.
- Rosenbaum, Howard (1996), "Structure and action: Towards a new concept of the information use environment". In: *Proceedings of the 59th ASIS Annual Meeting*,

- Baltimore, Maryland, October 21-24, 1996. Ed. by Steve Hardin. Medford, NJ: Information Today, Inc. (for the American Society for Information Science), pp. 152-156. Also available at:
<http://www.slis.indiana.edu/hrosenba/www/Papers/ASIS962.html>.
- Rosenbaum, H. (1996b). Structure and action: Towards a new concept of the information use environment. In *Proceedings of the ASIS 1996 Annual Conference*. Retrieved August 8, 2006 from <http://rkcsi.indiana.edu/archive/CSI/WP/wp96-04B.html>.
- Social theory. (2011). In *Wikipedia, the free encyclopedia*. Retrieved April 8, 2010 from wikipedia.org/wiki/Social_theory.
- Taylor, R. S. (1986). *Value-Added Processes in Information Systems*. Norwood, N.J.: Ablex Publishing.
- Thompson, J. (1989). The theory of structuration. In D. Held, & J. Thompson (Eds.). *Social Theory of Modern Societies: Anthony Giddens and His Critics*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.





پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښتی
پرتال جامع علوم انسانی



پښتو ښکته ځاښه علوم انساني و مطالعات فرښکته
پرتال جامع علوم انساني